



خطاب به ۳ وزیر تخانه صادر شد

دستور روحانی برای تسریع در رسیدگی به اسیدپاشی‌ها

گروه سیاسی: رئیس‌جمهوری پس از استماع گزارش دستگاه‌های مسوول درباره موضوع اسیدپاشی در اصفهان، خواهان تسریع در پیگیری ماموریت محوله به سه وزیر تخانه کشور، اطلاعات و دادگستری در این زمینه شد. حسن روحانی با ابراز تاسف شدید از وقوع ...

صفحه ۲

سال دوازدهم - شماره ۲۱۴۶ - ۱۶ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



پس از اقامه نماز توسط مقام‌معلم‌رهبری

پیگر آیت‌الله مهدوی‌کنی تشییع و به خاک سپرده شد

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام‌معلم‌رهبری: حضرت آیت‌الله‌خامن‌ای، صبح پنجشنبه در مراسم تشییع پیگر عالم مجاهد و پارسا، آیت‌الله مهدوی‌کنی (رضوان‌الله‌علیه) در دانشگاه تهران حضور یافتند. در این مراسم که با حضور پرشور مردم قدرشناس ...

صفحه ۴

شنبه ۳ آبان ۱۳۹۳ - ۳۰ ذی‌الحجه ۱۴۳۵ - ۲۵ اکتبر ۲۰۱۴

سرمقاله

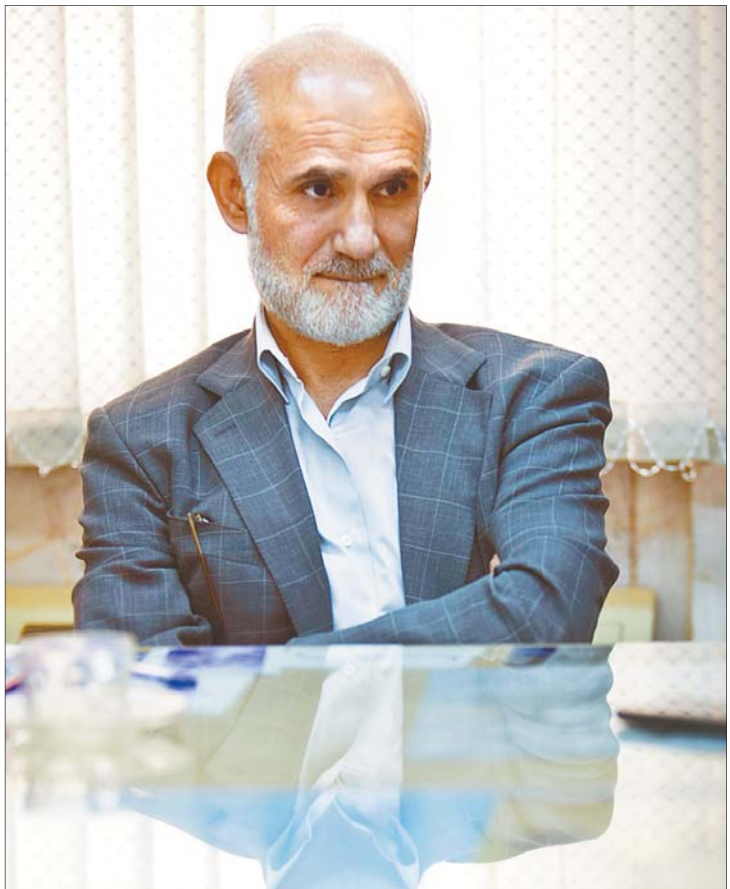
غم حادثه اصفهان

سیدعلیرضا حسینی‌بهشتی

نمی‌توان خبرفاجعه‌ضدانسائی و ضداخلاقی اسیدپاشی در اصفهان را شنید و بی‌اعتنا بود، به‌خصوص اگر علقه‌های خویشاوندی با آن دیار داشته باشی و مادر و پدرت زاده «نصف جهان» باشند. با تاسف به یاد می‌آورم که سابقه تنگ‌نظری‌ها و تعصبات مبتنی بر سطحی‌نگری در آن شهر به سال‌ها پیش برمی‌گردد. یادم می‌آید زمانی که پس از سال‌ها دوری از ایران، همراه با خانواده از آلمان برگشتیم، چند هفته‌ای در تهران ماندیم و پس از آن با فولکس استیشنسی- که از آقای سیدعلی‌اکبر حسینی که آن روزها مدیریت یکی از شعب دبستان علوی را بر عهده داشت قرض کرده بودیم و با وجود اینکه پدر اندکی می‌دانست آقای درویش آن را می‌راند- عازم اصفهان شدیم. ماشین فرسوده در نزدیکی اصفهان خراب شد و ما بقیه راه را با اتوبوس طی کردیم تا جمعیت زیادی از خوششان و دوستان و مردم خونگرم اصفهان که در نزدیکی کارخانه تاج به استقبال آمده بودند را بیش از این منتظر نگذاریم. من که برای نخستین‌بار بود شهر را می‌دیدم، نظاره‌گری خاموش بودم که همراه با پدر، مادر، خواهر و برادرم در میان جمعیت راه باز می‌کردم. پیش از هر جا به مدرسه رحیم‌خان رفتیم تا بر سر مزار پدر مادرم، مرحوم حجت‌الاسلام «سیدمحمدباقر مدرس‌مطلق»، که در غیاب ما درگذشته بود حاضر شویم. روزهای بعد با کمک برادرم که فارسی را بهتر از من می‌فهمید در جریان مسایل پیرامونم قرار گرفتیم. همان روزها پدر در «کانون جهانی اسلام» اصفهان گزارش فعالیت‌های پنج‌ساله خود را به‌عنوان مدیر «مرکز اسلامی هامبورگ» ارایه کرد که واکنش‌های گوناگونی برانگیخت. عده‌ای از نگاه نونیی که اسلام را به‌عنوان مکتبی انسان‌ساز برای نشان‌دادن راه زیست مسلمانی در جهان امروزم معرفی می‌کند، استقبال کردند. عده‌ای هم از برخی فرازهای آن سخنرانی که به ضرورت گفت‌وگوی میان ادیان و نیز مذاهب اسلامی و پرهیز از طرح مسایل اختلاف‌انگیز اشاره داشت، رنجیدند. بعدها دانستم که گروه اخیر به‌خاطر اصرارشان بر جنبه‌های مناقشه‌برانگیز تشیع، به «اولایتپوتن» مشهور هستند؛ همان‌هایی که سال بعد مریدان خود را هم علیه حسینی‌ارشد و دکتر علی شریعتی و هم علیه کتاب ارزشمند «شهید جاوید» و نویسنده آن «آیت‌الله‌صالحی نجف‌آبادی» تهییج می‌کردند، همان‌هایی که‌جوسازی علیه «آیت‌الله‌سیدمحمدجواد غروی اصفهانی» را بدانجا رساندند که آیت‌الله‌حاج‌آقا «رحیم ارباب» را تحت‌فشار قرار می‌دادند تا شرکت در نماز جماعت و جلسات درس و وعظ آقای «غروی» را تحریم کند. دامنه جوسازی‌ها و تبلیغات سوء ولایتپوتن به پدر هم کشیده شد و جلسات انتقادی تندوتیزی که در آن پدر را به محاجه می‌کشانند شکل گرفت. که خطرات آن باید روزی بازگو شود و این را نیز باید گفت که در مقابل، واکنش‌های تند و افراطی‌ای هم پدید آمد که قتل مرحوم آیت‌الله «شمس‌آبادی» نمونه‌ای تلخ و ماندگار از این دست است.

۱- با این همه، بی‌انصافی است که اصفهان را تنها با این چهره بشناسیم. کم نبوده و نیستند عالمان دینی نواندیش، اندیشمندان ژرف‌نگر، هنرمندان خلاق، خیرین خوش‌فهم، و تلاشگران عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی فرهیخته که بنای استوار بسیاری از موسسات و مدارس و بنگاه‌های تولیدی تأثیرگذار را همسو با نگرش‌هایی دنبال کرده و می‌کنند که با دیدگاه‌های پدر و امثال او قرابتی بسیار دارد. همچنین، بی‌انصافی است که به‌وجود و بروز تنگ‌نظری‌ها و تعصبات جاهلانه را صرفا به اصفهان منحصر‌بندیم.

ادامه در صفحه ۴



مصطفی معین در گفت‌وگو با «شرق»:

بورسیه‌های غیرقانونی تعجب‌برانگیز نبود

صفحه ۶

بخش: رفوئه رشتنی، شرق

یادداشت

خشکاندن ریشه

دانشگاه‌ها شوند سرنوشت تولید علم در دانشگاه‌ها چه خواهد شد. از دوران گذشته؛ مرسوم بود که اعضای هیات‌علمی دانشگاه‌ها همه‌سختی‌ها و فرازونشیب‌ها، مانع تسری ناهنجارها و تخلفاتی که در سطح جامعه می‌بینیم به کادر هیات‌علمی و دانشجویان دانشگاه‌ها می‌شدند. این روند در هشت‌سال دولت احمدی‌نژاد به‌شدت زیرسوال رفت. اساتید شاخص با سطح علمی عالی، یا بازنشسته می‌شدند یا شرايطی برای آنها ایجاد می‌شد که عطای ماندن را به لقای آن ببخشند. سوال ما این بود که چه‌اصرازی دارند اساتید را در سن اوج بهره‌برداری مفید، از ادامه تدریس بازدارند؟ به جرات می‌توان گفت سنین بین ۵۰ تا ۶۰سالگی اوج شوفايي اساتیدی است که علم را می‌فهمند و می‌توانند دانش تولیدکنند و آن را انتقال دهند. ولی آنها در پاسخ به ما می‌گفتند که بنای جذب «نخبگان جوان» را دارند و حالا معلوم شد منظور آنها از جذب این نخبگان، چه بوده است؟ می‌توان تمام استخدای‌های این سال‌ها در مراکز آموزش‌عالی را نیز بررسی کرد تا مشخص شود برخی چگونه بدون طی مراحل و توانایی‌های لازم، از دانشجویانی به استادیاری و استاد تمامی رسیده‌اند! توقع جامعه علمی کشور که با همه توان از دکتر فرجی‌دانا نیز حمایت کردند، به آخر‌رساندن این پرونده و برخورد با علت‌ها، پیش از معلول‌هاست. باید ریشه بروز چنین تخلفاتی، خشکانده شود. بخش‌نامه‌های فراقانونی و لحاظ‌کردن ضوابط «مدر آوردی»، برای همیشه ملغی شود. انتظار می‌رود با وجود فشارهایی که آمده و خواهد آمد، وزیر آینده علوم نیز راضی نشود. مسایل اساسی دانشگاه‌ها را نادیده بگیرد و چنین مباد.

جعفر کامبوزیا

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ششم

وعدۀ رئیس‌جمهور و سرپرست وزارت علوم درخصوص نتایج کمیته بررسی موضوع بورسیه‌ها، روز گذشته محقق شد. با درنظرگرفتن بورس‌های ملغی‌شده هزارو۲۴۱ نفری که گفته شده نتوانسته‌اند اعلام نیاز از دانشگاه‌ها را اخذ کنند و البته ۴۴۸ نفر از مریدان شاغل به تحصیل که در وضعیت استخدای «پیمانی» هستند و به دلیل پذیرفته‌شدن بدون تصویب هیات‌امنای دانشگاه‌ها در انتظار تصمص هیات‌های‌امنا مانده‌اند، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بالای ۶۵ درصد از سه‌هزارواندی بورسیه‌بررسی‌شده دارای تخلف روشن هستند. آنچه‌نگارنده در دانشگاه‌شهیدبهشتی مشاهده کرده است در مصاحبه‌های علمی مقطع دکترا- باوجود اینکه در برخی رشته‌ها، رتبه‌های یک تا ۲۰ به‌مصاحبه‌راه پیدا کرده‌اند- به سختی دست‌به انتخاب می‌زنیم. این در شرايطی است که اکثر این داوطلبان دارای معدل‌های بالا، سابقه تحصیل در دانشگاه‌های شاخص، سوابق علمی روشن، مقاله، سمینار و... هستند. زمانی که از موضوعات مختلف از آنها پرسش می‌کنیم، نشان می‌دهند که توانایی لازم را دارند. حالا فرض کنید سه‌هزارنفر از تسهیلات بورس که باید در اختیار بهترین‌های علمی کشور قرار گیرد، به شکلی غیرمنطقی با قانون بهره گرفته باشند. اگر افراد مذکور تحصیلات خود را به هر شکلی تمام کنند و جذب

یادداشت

دنیای ایرانی و مقابله با خشونت

و ترکان و مغولان در خود و تبدیل آنها به حامیان و حاملان فرهنگ و ادب و هنر ایران است و دیگر، ایجاد و تثبیت وحدتی میان تیره‌های ایرانی است که هر یک را در برابر هجوم بیگانه ملزم به حمایت از دیگری کرده است. تبیین مفهوم جهان ایرانی و نسبت آن با ایران سیاسی، از یکسو، ضرورت توجه بیش از پیش ایرانیان و مخصوصا دولتمردان ایران را به مرزهای فرهنگی، به‌عنوان نوعی سپر دفاعی معنوی توجیه خواهد کرد و از سوی دیگر می‌تواند افق‌های نو در سیاست خارجی ایران بگشاید. اجمالا جهان ایرانی، بر سراسر قلمرویی اطلاقی می‌شود که در همه یا مهم‌ترین وجوه فرهنگی، از زبان، ادب، هنر، فلسفه، دین و جهان‌بینی گرفته تا رسوم زندگی، قطع‌نظر از هجوم لجام‌گسیخته فرهنگ امروز غرب به دنیای شرق، مشترکات اساسی دارند و این اعم است از آنکه همه ساکنان این قلمرو را تیره‌های ایرانی یا غیرایرانی تشکیل دهند، یا روزگاری در قلمرو سیاسی ایران هم بوده یا نبوده باشند. به عبارت دیگر جهان ایرانی مفهوما و مصداقا اعم است از ایران تاریخی. ارایه چندنمونه و توضیحی در این باب لازم می‌نماید. به‌لحاظ تاریخی، تقریبا سراسر قفقاز در شمال‌غربی، بخش بزرگی از بین‌النهرین یعنی عراق (احتمالا ضبط دیگری از ایران) و سوریه در غرب، دره سند و سراسر افغانستان و ماوراءالنهر تا حدود مرزهای چین در شرق، بسیاری از جزایر و کرانه‌های جنوبی دریای پارس در جنوب، جزو قلمرو اصلی ایران بوده است. در برهه‌هایی ایام آن بوده است، همین‌هاست و یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن، بنا بر شواهد متعدد تاریخی، جذب و حل اقوام مهاجم بیگانه، از سلوکیان گرفته تا عرب‌ها

کاظم موسوی‌بجنوردی

رئیس دایره‌المعارف بزرگ اسلامی

دیرینگی نام ایران، گذشته از مفهوم و مصداق جغرافیایی، بنا بر اسناد و منابع تاریخی و تحقیقات قوم‌شناسان و باستان‌شناسان و مورخان، معانی دیگری هم متبادر می‌کند: این سرزمین نام خود را از مردم ساکن در آن یعنی ایرانیان/ آریاییان گرفته است که پهنه‌ای سخت‌فراخ، از شبه‌قاره هند و پامیر تا دره‌های دجله و فرات و از آن سوی از دریای کاسپین تا دریای پارس را زیر نگین داشته‌اند؛ تیره‌های ایرانی باوجود افت‌وخیزهای متناوب و غالبا خطر و گاه رقابت‌های درونی، همواره در بطن خود قومی واحد به‌شمار می‌رفته‌اند؛ ایران از روزگار کهن به سبب وجود دولت‌های بزرگ و مقتدر که همه تیره‌های ایرانی را مخصوصا در سیاست‌ها و روابط خارجی رهبری می‌کردند، واحدی سیاسی به‌شمار می‌رفت؛ رشتۀ اصلی پیوند این تیره‌ها، جز اشتراک نژادی و منافع مشترک سیاسی و اقتصادی، که بسا اقوام غیرایرانی را هم دربر می‌گرفت، فرهنگ ایرانی است که با همه تنوع، در اصول و ریشه‌ها، طی قرن‌ها حرکت و زندگی، از یک آیشخور سیراب شده است. ارکان مفهوم جهان ایرانی که بسی فراختر از ایران سیاسی، در مقتدرترین ایام آن بوده است، همین‌هاست و یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن، بنا بر شواهد متعدد تاریخی، جذب و حل اقوام مهاجم بیگانه، از سلوکیان گرفته تا عرب‌ها

حرف اول . حوادث

قربانیان پنهان اسیدپاشی

حافظ باغلی

استاد دانشگاه «هماهیدول» تايلند

انسان‌ها همیشه در طول تاریخ درگیر حادثه‌ها و فاجعه‌ها بوده‌اند، آتش‌سوزی، سیل، توفان، زلزله، آتشفشان، ریزش بهمن و سونامی همیشه انسان را غافلگیر کرده است اما فاجعه‌هایی نیز به دست خود انسان رخ می‌دهد؛ فجایی که هدف از آن فقط آسیب‌رسانی یا قتل چند انسان نیست، بلکه هدف اصلی ایجاد رعب‌ووحشت و ناامنی در سراسر جامعه است. این مجرمان عمدا قربانیان را به‌صورت تصادفی انتخاب می‌کنند. هرچقدر این انتخاب تصادفی‌تر باشد، وحشت بیشتری در جامعه ایجاد می‌شود چون در این شرایط هر کس می‌تواند قربانی باشد و در نتیجه مجرمان بیشتر به هدف خود یعنی ایجاد وحشت و ترس فراگیر و همگانی می‌رسند. هر حادثه‌ای که تهدیدکننده جان انسان باشد می‌تواند به یک اختلال روانی‌شکی به نام «اختلال استرس پس از حادثه» در قربانیان، بازماندگان و خانواده آنها منجر شود؛ احساس ناامیدی، سرخوردگی، استیصال، افسردگی، سوگ، اضطراب و کلبوس‌های شبانه در آنها شایع است. مطالعات نشان می‌دهند شدت این اختلال در فاجعه‌هایی که به دست انسان صورت می‌گیرد بیشتر از بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله است. گاهی این وضعیت مزمن می‌شود و در تمام طول زندگی با فرد باقی می‌ماند. گاهی به‌دنبال آن مشکلات زناشویی پیش می‌آید که این عامل نیز به مزمن شدن این اختلال کمک می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۲

هاکوپیان

HACOUPIAN.NET

جمهوری اسلامی ایران

مجلس خبرگان

تجدید فراخوان شناسایی کفنی مناقصه گران (نوبت اول - دو مرحله‌ای)

شرح در صفحه ۱۲

م/الف ۷۸۱۸

همکار گرامی سرکار خانم فتحی

مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت می‌گوییم. از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزو مندیم.

روزنامه شرق

ضمیمه رایگان امروز روزنامه شرق

ویژه‌نامه کیش

از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید

جناب آقای مهندس محمود حجتی

وزیر محترم جهاد کشاورزی

در گذشت پدر همسر تان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نمود. برای آن مرحوم رحمت و مغفرت و برای شما و سایر بازماندگان صبر و سلامتی آرزو می‌کنیم.

سیدمهدی آیت، ابوالفضل ترابی، حسعلی ابوطالبی

ابراهیم اسرافیلیان، عباس انتظاری، محمود ایزدی

مصطفی ایزدی، رضا حجتی، احمد حری، عبدالحسین رجایی

رجبعلی شریفی، مرتضی صابری، محمد صالحی

مصطفی طاهری، حسینعلی طراوت، محمود فتاح‌الجنان

اسدالله کارشناس، محمدعلی منتظری، محمدعلی هادی

حاج مصطفی یعقوب‌زاده

برادر بزرگوار

جناب آقای مهندس محمود حجتی

در گذشت پدر همسر گرامیتان را تسلیت می‌گوییم. برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان محترم از خداوند متعال صبر و اجر مسألت می‌کنیم.

محمدامیر مظاهری، مهدی رحمانیان

و سید شهاب‌الدین طباطبایی